

سلسلہ مباحث اخلاق و عرفان (۱۴)

سفر بہ کعبہ جانان

تقریرات

استاد علی اللہوردی بخانی

سرشناسه	: اللهوردیخانی، علی، ۱۳۰۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: توکل / تقریرات علی اللهوردیخانی.
مشخصات نشر	: تهران: توسعه دانش، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۶۲ ص.
فروست	: سلسله مباحث اخلاق و عرفان؛ ۱۴. سفر به کعبه جانان.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۳۴۵۰-۸-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۵۹.
موضوع	: آداب طریقت
موضوع	: Customs of the order*
موضوع	: توکل (اسلام)
موضوع	: Trust in God -- Islam
موضوع	: توکل (اسلام) -- جنبه‌های قرآنی
موضوع	: Trust in God -- Islam -- Quranic teaching
رده‌بندی درگذر	: BP۲۸۸/۳/الف۷ت۹ ۱۳۹۵
رده‌بندی درایی	: ۲۹۷/۸۴
شماره شابشناسی	: ۴۳۵۹۸۸۱



سفر به کعبه جانان

عنوان • سلسله مباحث اخلاق و عرفان

توکل

تالیف و تدوین • علی اللهوردیخانی

ناشر • توسعه دانش

نوبت چاپ • اول، ۱۳۹۵

چاپ • خانه چاپ پایدار

تیراژ • ۱۵۰۰ جلد

قیمت • ۳۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ساختمان ۳۱۰، طبقه زیر همکف

تلفن: ۶۶۴۱۵۴۵۹-۶۰

سایت: www.elmo-danesh.ir

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۵	مفهوم توکل
۱۶	دعا و توکل
۲۲	غلبه نیروهای غنی بر ظاهری
۲۷	هدف مکتب فارابی
۳۲	اعتصام عام و خاص
۳۹	تألیف قلوب به نظر حق
۴۳	توکل و آرامش قلبی
۵۵	فهرست آیات
۵۷	فهرست احادیث
۵۹	گزیده منابع و مأخذ
۶۱	فهرست مجلدات سفر به کعبه جانان

پیشگفتار

کتاب حاضر بخشی از مجموعه تقریرات استاد فقید جناب علم امروز یخانی در طی نیم قرن گذشته است که در جلسات تربیت خویش بیان فرموده‌اند.

این گنجینه ارزشمند از حقایق عالیه دین مقدس اسلام، سالیان متمادی در دسترس عموم به دور بوده تا این که در سالهای اخیر توسط متعلمین ایشان، تنظیم و به توفیق الهی برای استفاده شیفتگان مکتب اهل بیت (ع) و طهارت (ع) به زیور طبع آراسته شده به امید آن که مقبلان پیش‌آه حق واقع گردد.

ضمن سپاس و قدردانی از زحمات طاعت فیساء معظمه، از این که در زمان حیاتشان اجازه تدوین و تنظیم این مجموعه را یافته‌ایم به درگاه الهی شکرگزاریم؛ و پیشاپیش از هرگونه سهو و خطای احتمالی به هنگام یادداشت برداری یا تنظیم و بازنویسی مطالب، پوزش می‌طلبیم. امید است که خوانندگان محترم بالاخص صاحب‌نظران و اهل فضل با نظرات عالیه خود ما را در چاپ‌های بعدی این آثار یاری فرمایند.

مقدمه

سپاس خدایی را که به حکمت بالغه خود کتاب مقدس خود را فرو فرستاد و آن را راهنمای گمشدگان وادی حیرت نمود. پرده مجاز از چهره اسرار برداشت و نعمت آزادی را بر احرار کرامت فرمود.

درود و تحیات بی شمار بر حضرات انبیاء و اوصیاء و اولیاء، بالاخص بر وجود مقدس حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (ص)، که جمیع انبیاء و اولیاء خاتم النبوت و ولایت وی اند.

الهی بی تویی عدم است، هرچه هست با توست. لازم آن دیدار را که جز جمالش همه را واپس نهاده و وجود حق را به نظاره بنشینند و خویشتن خویش را در این نظاره دریابند.

مقصود از آفرینش، وجود انسان است و مقصود از انسان، معرفت به ذات و صفات حضرت خداوندی است و کمال این معرفت، جز از انسان راست نیاید. چه دل انسان آئینه جمال نمای الوهیت است و ظهور جملگی صفات جلال و جمال حق به واسطه این آئینه الهی است.

دروود بر خرد پرورانی که آئینه‌سان پذیرای تجلیات عکس جمال جمیل حق شده و مهرآسا بر نفوس نیازمندان تابش می‌کند و هریک را به حسب استعداد خویش پرورش داده و از پرتگاه کژی و تباهی به شاهراه حقیقت می‌کشانند. حقیقت، هدف توجه هر سالک و آخرین نقطه مقصود اوست.

دروود بر آن قافله‌سالاران عالم بشریت که ذوق فطری انسان‌ها را با تدبیر و تفکر و تعقل و علم و حکمت به جنبش در می‌آورند، و بر نیروی علم و معرفت ایشان می‌افزایند تا از بحر مشاعل فروزان هدایت که ارزانی داشته‌اند، استضائه نموده معانی بامانیه «وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا» را دریابند.

آری دلدادگان جمال لم یزلی چنین‌اند که در وادی طلب می‌تازند و سه بر آستان ارادت می‌نهند و قوای جسمانی در بوتۀ ریاضت و مجامعات می‌گدازند و سر بر زانو می‌مراقبه، چشم بر دریچه عنایت می‌گشایند، تا کدام وقت و ساعت پرتوی از جانان بتابد، که نابیدن همان و نقد هستی در باختن همان. چه کمال انقطاع از ماضی، یا اتصال به حق و گسستن از غیر در اثر حصول صعقه جلاله است «فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا». همه حضرات انبیاء و اوصیاء را صعقه جلالیه فرا گرفته که در حقیقت، همان ابتلاء به دردها، گرفتاری‌ها، فشارها و سوز و گدازهاست.

عارف دلداده جمال و کمال معشوق است و دلدادگی، همان مرتبه تسلیم در اراده معشوق، عارف کسی است که با خدا راز می‌گوید، به جان و دل رضای او می‌جوید، دست از اغیار می‌شوید، گل وصال می‌بوید، در میدان عبودیت می‌پوید.

سالک عارف در اثر تقوای تام و مجاهدات و ریاضات شرعی، انشراح صدری به او دست داده و سینه‌اش محل اشراق نور توحید گشته است. او در پرتو حق می‌بیند که فاعلیت مطلقه دار وجود در انحصار ذات اقدس الهی است.

الهی کدام دل است که در آتش عشق تو نیست؟ کدام دیده که در انتظار دیدار تو نیست؟ کدام جان که در مخلب عزت تو نیست؟ کدام سر که سرمست عشق تو نه؟

طوبی بر آن دلی که از شبهه و شک شسته، به مولی پیوسته و از کینات رسته. سالک طریق حق باید که به توفیق الهی دل را دریابد و به دل رسد. آن که دل را یافت، خدا را یافت، دل مظهر جلال و جمال کرباست.

حب و عشق به جمال و کمال علی‌الاطلاق فطری بوده و در نهاد هر کس به ودیعه نهاده شده است. در اثر اهتمام به مراقبه شدید، حب و عشق الهی در ضمیر سالک ظاهر گردد، لیکن علاقه به کثرت و مادیات، - حجاب‌های عشق فطری شده و نمی‌گذارد این پرتو ازلی ظاهر گردد اما به واسطه مراقبه، کم‌کم حجاب‌ها ضعیف شده بالاخره از بین می‌روند، و حب و عشق فطری در ضمیر سالک، او را به سوی جمال و کمال مطلق رهبری می‌کند، به حدی که به جز خدا نبیند. مایه این نور الهی در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده و

فطرت او به سرچشمه خورشید لایزالی متصل است. اگر کسی خود را از تحت جاذبه نور کنار نکشد، نور الهی بر تمام سطوح وجود او می‌تابد. ما هستیم که این آب حیات بخش را به شوره‌زارهای تمایلات و خارستان‌های خودخواهی‌ها فرو می‌ریزیم، و گرنه پیمانه وجود ما هر آنی از فیض الهی

پرمی شود.

مشاهده انوار و تجلیات الهی برای هر کسی به نسبت تزکیه نفس و تخلیه وجود از رذایل و تحلیه آن با زیورهای الهی است. به طوری که سالک می تواند در اثر طی این مراحل خود را به مقامی برساند که نه تجلیات و انوار، که جمال و جلال الهی را بی پرده مشاهده نماید. اما انحرافات و معاصی به سبب ازدیاد حجابات شده، به جایی می رسد که حتی ذره و اثری از انوار و تجلیات الهی را مشاهده نمی کند.

مبدأ همه کمالات، معرفت به حق و ترک هوی های نفسانی است و مبدأ تمام نقائص، خدانشناسی و ضعف ایمان و حب نفس است. از این رو راه اصلاح همه مفسده ها، معرفت به حق و ترک مستهبات نفسانی است.

صاحب دل کسی است که از آرایش جسمانیات مبری و از شوائب مادیات معری برسد. در تهذیب نفس و تحصیل علم باطنی کوشد. چه، علمی که از باطن سرچشمه گیرد، قلب را خاشع نماید و زبان را راست گرداند و منطق بیان را از هرگونه تلبیس و انحراف باز دارد.

اعطای علم به نسبت مراتب عشق است. باطنی که علم شریعت آموختنی است، علم حقیقت یافتنی است. علم شریعت به تلقین است، علم حقیقت به نور یقین است. حقیقت، آفتابی است که سالک به نور عزت از آفاق دل بیند.

علمای ربانی تمام علوم حقه را در پرتو تصفیه باطن و تهذیب نفس دریافته و همه را در انوار وجه الهی ادغام نموده به کعبه جانان رسیده اند. الهی ما را در زمره عاشقانی قرار ده که از آب و گل، از جان و دل درگذشتند، از قید دنیا و عقبی

خویشتن را رها نیدند، خود را با توبهٔ نصوح بیاراستند.
 شاهراه دین را بدایتی است و نہایتی. بدایت اهل شریعت
 راست، نہایت اهل حقیقت را. عمل اهل شریعت، خدمت است
 بر شریعت. اما صفت اهل حقیقت، علاوه بر آن، قربت است
 بر مشاہدت. قاعدہ اهل شریعت را بہ سہولت نہادند. خدا بہ
 آنها رخصت ہا داد کہ آنها مستضعفین اند، بار سنگین را از دوش
 آنها برداشت، زیرا کہ طاقت کشیدن چنان باری ندارند. اما
 اهل حقیقت را بر صعوبت نہاد «جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ
 جِهَادِهِ»

درود حق بخار آن جوانمردانی کہ اعلام اسلامند، امان
 جہانند، بر سر دی شریعت داعیانند، بر لب چشمہ حقیقت
 ساقیانند.

درود بی حد و تصریح حیب خدا (ص)، مہتر عالم، سید
 مُکَرَّم کہ خداوند متعال فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَ
 وَالْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقِينَ يُبَايِعُونَكَ أَمَّا الْكُفْرُ فَلَا يُبَايِعُونَكَ»
 ما را یافت «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ أَمَّا الْكُفْرُ فَلَا يُبَايِعُونَكَ».